

بیشتری در تاریخ کتاب و کتابخانه

نخط یونان قدیم مانند زبانهای شرقی سامی در اوائل از راست به چپ نوشته می شد اما از او ان بسیار بعد از چپ به راست نوشته شد. این سخن را در بار کتابت زبان لاتی نیز گفته اند. یونانیان روش دیگری هم داشتند که نویسندگان سطر اول را از راست شروع می کرد و چون آنرا در چپ به پایان میرسانید آنگاه سطر دوم را از چپ به راست می نوشت تا صفحه تمام می شد. این روش که تاریخ بسیار کهن دارد از لحاظ شباهتی که به قلمه کردن زمین بوسیله گاو دارد در نزد پیشینیان بسنام و بسوسستر و فسیدون به معنی گردش گاو معروف بود.

نوشتن از راست به چپ تا کنون در زبانهای ملل شرقی همچون عربی، عبرانی، سریانی، فارسی و فنیقی مستعمل است؛ مصری قدیم، سماریتی یا میخی و زبانهای دیگر با آن نیز از راست به چپ نوشته می شد. در چینی و جاپانی سطرها عمودی اند؛ در نگارش آن از بالا آغاز می کنند اکنون علامت کتابت در سطرها از راست آغاز میابد. در نوشتن زبانهای لاتینی از عهد قدیم دو نوع حروف بکار می رفت که به (مانیسکول و ماجسکول) معروف اند. نوع اول یعنی حروف گیلان را برای نوشتن نامهای آلهه، ملوک قبا صره و زورمندان استعمال می کردند سپس آنرا به نام های خاص و آغاز جمله هامنحصر کردند. در نوشته های قدیم شرقی و غربی کلمات و همچنان جمله ها بوسیله فاصله و نقطه از هم جدا می شدند تا آنکه ارسطوفا (۱) نویسنده بیزنطی علامات ترقیسی وضع کرد که در کتابت یونانی و لاتینی مستعمل است ابرو نیمه و س (۲) در قرن چهارم مسیحی آیات نور انصارا بوسیله ارقام از هم جدا کرد:

قدمامر نوشته های خویش علامات اصطلاحی و اختصاراتی بکار می بردند که هر یک آن به کلمه یا جمله کثیرالاستعمال دلالت داشت گویند عبرانیها نخستین مرد می بودند که این اختصارات را به کار بردند و یونانیان و رومیان از آن تقلید کردند و همچنین هر حرفی را در مزیک عدد مشخص و من شناختند چنانکه در حساب جمل عربی رواج دارد؛

باگذشت زمان این اصطلاحات و اختصارات متروک شد زیرا در رقوانین و تواریخ فرمانها و پیمانها و عقود و خرید و فروش را بنده ابهام بود. ژوستینین (۳) امپراتور روم در قسطنطنیه به ناسخان و نویسندگان بفرمود از استعمال آن خودداری کنند و کلمات و جمله‌ها را به حروف و افعال پرنگارند تا از ابهام و تزویر جلوگیری شود و جزای متخلف را قصاص باشد مشیر قرار داد ولی بسیاری از نویسندگان و ناسخان استعمال این اختصارات را تا قرن وسطی ادامه دادند فلپس در سال ۱۳۱۴ قضات و وکیلان را به ترک نوشتن قوانین با این اشکال فرمان داد.

رومیان نوشته اختصاری را که بنام نیرو و نیه منسرب به مخترع آن نیرون غلام میسر و ن ۴۴ خطیب رومی معروف بود استعمال کردند. وی خطبای های ولای خود را در مجالس شیوخ بهمین روش التماس می کرد. او کراسگرید که کسینیفون (۵) نیز خطابه سقراط را بهمین طریق تلمیذ می نمود.

قدمابرای نوشتن اسرار و شهای متعدد داشتند یکی از آن جمله کتابت الجبر بود که تا در معرض نور قرار نگردد ظاهر نمی شود در بقیه دیگر چنین بود که نامه سری را در گوشه های دو صفحه طوری می نوشتند که قسمتی از یک کلمه در ورق و بعضی دیگر در ورق دیگری واقع می شد. خواننده اسطواته مخصوص خود را با که حجم کاغذ برابر بود می گرفت و هر دو ورق را با هم می چسباند و نوشته را می خواند.

گورینداریوش پادشاه فارس خود است نامه سری به یکی از امیران خود بفرستد فرمود سری یکی از غلامان را بتراشند و نامه را بر پوست سراسر او بنویسند و مدتی بگذارد تا نامرئی او بر وی و آنگاه او را به میدان جنگ فرستاد. چون غلام به لشکرگاه رسید امیر موهای او را برآشید و فرمان را بجا آورد. هر کس قرطیجنه (۶) نامه های سری خود را بر لوحهای چوبی دقیق می نوشتند و آن را با ماده شمعی سختی طلا اندود می کردند و وقتی که لوح به دست مرسل الیه میرسید شمع را از آن پس می کردند و نوشته ظاهر می شد.

قدمابها، کتابها را ابره شکل لوله و لفافه پیچیده

شکل کتاب در عهد قدیم

تهیه می کردند و ازینرو اکثر فرنگیان مجلد را

Volume یعنی لفافه شده می خوانند که از کلمه لاینی Volvere گرفته شده و معنای آن

لف پادور است ناسخان کتاب را بر ورقهای پراکنده می نوشتند و چون به آتمام

میر سید آنگاه ورقهای متفرق را در پهلوئی هم یا در پایا ن بکند بگروصل می کرد ند
در صورت نخستین خوانند و از سطر آخر صفحه اول به سطر اول صفحه بعد انتقال
می کرد و در صورت دوم نوشته را تا آخر لفافه می خوانند :



وقتی کار چسپا ندن
اوراق پایان می یافت
در يك طرف و با هر دو
طرف آن اسطوانه
چوبی قرار میدادند و
قسمتی از لفافه را بر آن
وصل می کردند. خواننده
لفافه را در دست
خود می گرفت و هر
وقت از خواندن
صفحه ای فارغ می
شد آن را بر یکی از دو
اسطوانه می پیچید و صفحه دیگر را که دور نخورده بود می خواند تا کتاب به آخر
می رسید ، این اسطوانه ها را به تناسب اعراس کتاب و ثروت مالک آن گاهی از عاج یا طلا
و نقره تهیه می کردند. غالباً نام کتاب و اسم مؤلف آن را بر سر اسطوانه می نوشتند
و کتاب را در صندوق چوبی یا بکس پوستی جامی دادند ، اگر کتابی مشتمل بر چند لفافه
می بود همه را در يك صندوق می گذاشتند و نام کتاب را با تعداد لفافه های آن در بیرون
آن می نوشتند .

شارلمان مؤسس دارالعلم بسازیس

لفافه ای در پیش رو دارد .

روش کار علوم انسانی و مطالعات
صندوق ها را از بیرون و درون با صمغ صنوبری و غیر آن می آلودند تا کتاب از
گزند موریا نه و حشرات در امان باشد. پلینی (۷) گوید و چون کتابها را بسوست
درندگان می پوشیدند ، حشرات و موران بد آنها زیان نمی رساندند و این درست
نبست زیرا چنانکه یکی از نامه خان گوید حیوانات با احترام پرست پادشاه بحر پیش
رانگه نمیدارند .

گاهی لفافه‌های بعضی از تالیفات بزرگ از بیست و سی بیشتر می‌بود چنانکه ایلیاد
 و هومیر (۸) و ادیسه او در بعضی از نسخه‌ها ۴۸ لفافه بود و تا ریخ تیشلیف رومی (۹) در
 برخی از نسخ ۱۴۰ لفافه؛ طول آنها فرق

می‌کرد و گاهی به پنجاه متر میر رسید.
 شکل معروف و متداول امروزی

کتاب در آغاز قرن اول میلادی در

عهد تیبارپوس قیصر ۱۰۱ بوجود

آمد و در قرن چهار بسیار شد. نامسخان

توانستند به جای نوشتن در یک

روی ورق در هر دو طرف آن

بنویسند نویسنده‌گان پس از انجام

کتاب خویش او را قاف آفریبکی بالای

دیگر سرش میکردند و پس از

پیچیدن آن با رق ۱۱۸ یا قماش

در میان دو مقوای چوبی جای



رومانی در کتابخانه خود

مقل از رومی که در خرابه‌های رومی پیدا شده

میدادند:

نامه‌ها بر ورق بردی ۱۲۰ بارق نوشته

و سپس پیچیده و با رشته‌ای از حریر یا کتان

پیوسته می‌شد. آنگاه با شمع سرخی بر گره رشته

مهر می‌کردند و عنوان هر سل الیه را بر سر لفافه می‌نوشتند و می‌فرستادند. قد ما طریقت

نشر اعلانات بزرگ را بر دیوارهای شهر اربع و بازارهای آنها نوشتند؛ در کتابخانه‌های

اروپا از اینگونه اعلانات بسیار است چنانکه در موزه تور اعلان بزرگی ازها پروس

و چون دارد که در آن این کلمات با حروف درشت و کلان نوشته شده و هر کس دو غلام آبقی را که از خانه مالک خود در اسکندریه گریخته است بازگرداند پادشاه پیکر خواهد پافسے ،

مورخان اتفاق دارند که امپراتوری روم برای نشر اخبار و اوامر خود دو حواله عمومی خریدند رسمی داشته و از آن هزاران نسخه نوشته ، برجال و اعضای مجلس شیوخ و حکام توزیع می شد این جریده را Diurnale می نامیدند . غالباً در این نشریه مانند روزنامه های امروزی خطابه های مهم اعضای مجلس اعیان ، قضایای جنائی مهم ، موضوعات عجیب و غریب ، حیرت آید دینی ، جشن های سیاسی و وقایع از دواجها و ولادت و وفات و همانند اینها درج می شد . این نشریه در مدت پنجمین سال تاپس از تقسیم امپراتوری منتشر می شد و در موزه های اروپا نسخی از آن است که در شناخت تاریخ روم خیلی مفید اند .

در بنی اسرائیل گروهی از ناسخان بودند

نسخه ها و نسخه نویسیها

که پیشه شان نوشتن تورات بود . این طائفه

سخت محترم بودند و ملت های غیر از بهرود نیز با مثال آنان احترام می گزاردند . در روم کار نسخه برداری در دست اسیران و بردگان بود ، مالکان آنان به داشتن غلامان خوش نویس افتخار می نمودند و غلامی را که برد بگران درین هنر فائق می شد آزادی کردند . بنابراین این ناسخان را بنده آزاد شده Librari خواندند و نام کتاب در زبان لاتینی Liber از همین کلمه گرفته شده . آنگو میخواستند از یک کتاب نسخه های بسیار بردارند چندین تن از ناسخان را جمع می کردند ؛ یک نفر میخواند و دیگران می نوشتند .

شیشرون در یکی از نامه های خود شکایت می کند که اکثر کتب لاتینی روشن و بانوچه نوشته نشده تا آنجا که گاهی اشخاص ناچار می شوند برای خواندن یک نوشته ، نویسند ؛ آنرا به کمک بطلبند . یکی از شاعران رومی در پایان کتابهای خود داین عبارات را می نوشت : « اگر خال و ابهامی در محط بنظر رسید از خواننده معذرت می خواهم گناه از ناسخ است که خود معنای آنچه را از گذشتان اومی نویسد نه می فهمد ، کتاب های قدیمی که بمار می رسد پر از غلط و پر از جمله های مشوش و مبهم است و بهمین سبب گاهی موجب بروز اشتباهات مهم تاریخی می شود . یکی از دانشوران

و این ملوک و بزرگان که کتاب‌های بسیار جمع کرده در خانه سر به سر نهاده‌اند و به نگهداری آنها مباحث می‌کنند چه سودی از این کتب خواهند برد. يك تن ازینان در تمام عمر خویش حتی يك لفافه را باز نمی‌کند. این مردم کتب را اسباب زینت و تماخر می‌شمارند نه آلات و وسیله اکتساب فضل و دانش :

پیشتر گفتیم که رقوق یعنی پوست حیوانات
تا چندین قرن پس از استعمال برگهای درختان،
برای نوشتن مستعمل بود. در کتابخانه‌های

اروپا اسناد و عقود و فرامینی وجود دارد که بعد از قرن ده بر روی پوست نگاشته شده. در بعضی از موزه‌های پاریس لفافه‌های هست که در آن قضیه مشهور قهرمانان (۱۴) نوشته شده و درازی آن ۲۴ متر است. این اوراق پوستی از آسیای صغیر و مصر و قسطنطنیه به فرانسه و ایتالیا و نمسا (۱۵) وارد می‌شد. و قتیکه در عهد شارلمان، قرن هجده، علوم و معارف در غرب انکشاف یافت ازین ورقها در فرانسه بساختند زیرا این پادشاه ناخوان به دانش توجه خاصی داشت؛ انجمنی در پاریس اساس گذاشت و کتابخانه‌ای دائر کرد و بفرمان او در آنجا کتابهای بسیار جمع کردند. وی هیتی به ایتالیا و اسپانیا و قسطنطنیه برای خرید کتابهای قدیمی و ارتباط باناسخان و نویسندگان اعزام داشت و در فرانسه تعداد کارخانه رقوقی سازی نهاد.

پس از آنکه ورود این اوراق در فرانسه از شرق به سبب فتوحات اعراب و ورود ترکان در آسیای صغیر و اروپای شرقی کم شد، فرانسه بان کار ساختن آنرا در خاک خویش ادامه دادند. بهای این ورقها چندان بلند رفت که بسا زر هموزن و هم تراز شد. یکی از مورخان انگلیسی نقل میکند که راهب مارتن هرگت چند تن از رئیسان خویش را بانگلستان فرستاد تا مقدار ازین رقوق برای نوشتن کتاب مقدس جمع کنند اما او نتوانست بقدر کفایت از آن بدست آورد. ازینرو در اسخان و نویسندگان بر آن شدند که نوشته‌های اوراق مکتوبه را محو کنند و بار دیگر بر آن بنویسند. در اثر این عمل مولفان سودمند و نفیس کثیری نابود گشت و به عرض آنها کتابهای کم ارزشی نوشته شد. به گفته مورخون مورخ اکثر مخطوطات پس از قرن دوازده بر رقوقی نوشته شده که نوشته‌های نخستین آنرا محو کرده بودند ولی دانشمندان با استفاده از مواد کیمیاوی توانستند مقدار کثیری ازین کتابهای

قدیمی محو شده را روشن کنند و بخوانند : کار دینال از گلو مای که خطبه های گم شده میسرون را بنام ریپلیکا بخواند از مشهورترین دانشمندانی است که به قرائت اینگونه خطها اهتمام ورزیدند. این خطب از کتاب ادعیه او و اکنون در کتابخانه و انیکان است ؛

پلینی می نویسد که مترو دورس طیب
و کریز بفام نبات شناس کتاب مطولی در علم
نبات تالیف کرد و آنرا به تصاویر آراستند و

مجلد گری و رسامی

گل و درخت موضوع بحث را در آن رسم کردند . و هموگه وید که خود کتب مزین با رسم دلاوران و مشاهیر و شاهان ، بسیار دیده است : در کتابخانه و انیکان کتابهای مزین با رسم و مجلد آراسته بسیار است که تاریخ آن به پیش از قرن نزد بر می گردد . همچنین در کتابخانه های اروپا و غیر آن کتب فارسی قدیمی مزین با رسمها و مصحفهای تازی نیکو جلد و خوش خط زیاد است که با نقوش سیم و زر آراشته شده اند .

کتابخانه قسطنطنیه از کتب قدیمی مزین با تصاویر زرین و پستی های زیبای عهد قیصرهای روم و غیر آن پر بود . اما در جنگ صلیبی اول ؛ هنگام استیلای فرنگیان بر این شهر ، نیمی بدست قوای فرنگی افتاد و نیم دیگر تلف شد . نسخ که پیشه ایشان رونویسی بود ، کتابها و مخصوصاً کتب دینی را از بین می کردند و عناوین و آغاز فصول آنها را با مرکب طلائی و نقره یی می نوشتند . شارلمان برای این کار چندین تن صورتگر و رسام و مجلدگر از ایتالیا و شرق بخواست . در کتابخانه پاریس مخطوطی آراسته با نقش و نگار زرین از کتاب ادعیه که بنام « ساعه شارلمان » خوانند موجود است و همچنان نسخه ای از انجیل ها مزین با تصاویر و رسمها که به امر ملك شارل اصاع نوشته شده .

صنعت نقش و نگار کتب و ترسیم تصاویر در آنها در قرون وسطی به غایت رسید . کتابهای که از آن عهد برجای مانده گواه این گفتارند . زیباترین کتابهای کتابخانه پاریس مجلدی از تورات و معروف به نسخه رشیا یو (۱۶) است که بقلم جمعی از ماهرترین نویسندگان و صورتگران و رسامان بفرمان همین کار دینال شهیر تحریر و تزئین شده . این کتاب مشتمل بر پنج هزار و یکصد و بیست و دو تصویر است که با طلا

و نقره و رنگهای فریبنده در کمال اتقان ترسیم شده . گویند یکی از توانگران انگلیس آنرا به بیست هزار پوند می خرید اما ندادندش :

آرایش پشتی های کتب ، مورد توجه خاص بود : در کتابخانه ونیز واقع در ایتالیا کتابی از قرن چهارده وجود دارد که مجلد آن از عاج است و تصویری مرقس (۱۷) بر آن رسم کرده اند . در کتابخانه های اروپا از ینگونه کتبی که متعلق به شاهان و امیران عصر بوده و در نگارش و تجلید آنها اهتمام بسیار بکار رفته ، زیاد است در قلم اول باید از کتاب دعاها یا شکرنامه متعلق به انا (۱۸) مالکه بریتانیا و همچنان کتاب دیگری که به دیوک برگوی تعاق داشت نام برد . این اهتمام تا حدی بوده که امپراتور : انگو (۱۹) کتاب منقرش و زرنگاری را که در پند و اندرز بود به بیش از دویست گوسفند خرید کذا کار دینال دیگری سه جلد از مرامات پلوتارک (۲۰) را به چندین برابر این قیمت خرید و لیون دهم کتاب تاسیتوس رومانی را در سال ۱۵۰۰ به پنجصد دینار ؛ این آثار و نظائر آن همین اکنون در کتابخانه های اروپا است :

خریداران کتب غالباً نام خود را با اضافه عباراتی در کتابها می نوشتند ، از جمله قبیل : هر کس این کتاب را بدزدد یا پنهان کند و به صاحبش برنگرداند ملعون است . چنین کسی سزاوار آتش جهنم است و نام او از دفتر نیکان محو میگردد . نوشتن این گونه نفرینها از طرف ناسرخان و مالکان کتب تا قرن نوزده ادامه داشت ، مورخ نسامی دیردورس (۲۱) گویند : یکی از

ملوک مصر ، از سلاله اول ، کتابخانه ای در قصر خود بنیاد نهاد و بر سر در آن بنوشته

تاریخ تاسیس
کتابخانه های عمومی در جهان

و اینجا در مانگاه روح است ، تاسیس کتابخانه در یونان از عهد پیزستراس (۲۲) آغاز شد و آنتیان کتابخانه عظیمی را در شهر خویش اساس گذاردند و در آن از مصر و فنقیه و آسیای بزرگ کتابهای زیاد گرد آورده : وقتی که پادشاه فارس بر آن دست یافت همه را طعمه آتش کرد ، باچنانکه گفته شده به بلاد فارس انتقال داد . یکی از مشهورترین کتابخانه های قدیمی یونان کتابخانه جزیره ساموس بود که پلوکراتس آنرا بنا کرد . (۲۳) و دیگر کتابخانه ارسطو که ثیوفر است (۲۴) بر آن دست

یافت و بطایموس فلا دلفوس (۲۵) آنرا بخرید و با اسکندریه پایتخت کشور خویش نقل داد. کتابخانه اسکندریه که اساس آن بدست بطایموس سوتیر در قرن سوم پیش از میلاد گذاشته شد و دو دمان بطالسه پس از وی بدان توجه فراوان کردند مشهورترین کتابخانه عالم بود. در عهد ایفر جانوس (۲۶) شماره کتب این کتابخانه دو چند شد. زیرا این شخص نمایندگان گانی بهرسوی می فرستاد تا به حقیق و لاحق کتابهایی را که بچنگ می آورند به اسکندریه منتقل کنند. وی در کاخ خود صد ها نسخه نو پس را جمع کرده بود و شماره کتب این کتابخانه بر او به تسمی بهفتصد هزار مجلد رسید بر و ایت دیگر به نصد هزار.

وقتی که رومیان بر اسکندریه دست یافتند و آنجا را آتش زدند قسمتی از این کتابخانه بسوخت. ولی قسمت بزرگ آن بامجسمه سپرایس باقی ماند و در اثر اهتمام آنان در حدود پنجصد هزار جلد کتاب در آن گرد آمد. و این در عهد نیو دوسیوس (۲۷) امپراطور روم در قسطنطنیه بود. وقتی که این امپراطور به ویرانی معابد بت پرستان در آسیا و مصر فرمان داد مجسمه سپرایس منهدم شد و اکثر کتب مصری و وئیت سرختر جز صد هزار مجلد از این کتابخانه بزرگ باقی نماند. بیشتر مؤلفات تاریخی و جدلی بر آن افزوده شد که بیشتر آن از دانشمندان دورخان روم بود.

کتابخانه پرگاموس (۲۸) که در قرن دوم پیش از میلاد در آسیای صغیر نامیوس شد شهرنش از کتابخانه اسکندریه کمتر نبود. پلوتارک روایت کند که عدد کتب آن از دو صد هزار متجاوز بود. گاهی یک کتاب در چندین لفافه بود و چند صند و قچه را بر می کرد. مثلا اشعار هومیر چهل لفافه بود و تاریخ تیتایف یکصد و پنجاه پارچه. انونیوس (۲۹) رومی حقیق استلای خود بر آسیا این کتابخانه را به معشوقه اش کلیوپاترا ملکه مصر اهدا نمود و او آنرا به کتابخانه اسکندریه ضمیمه کرد.

در روم ناعهد قیصره کتابخانه ای نبود. افرینیوس نخستین کتابخانه را در جوار مجسمه آزادی بنا کرد و اگنوس (۳۰) قیصر کتابخانه بزرگی در قصر خود بنام کوه پلانیین اساس نهاد اکثر قیصرهای روم در انشاء کتابخانه در کاخ خود از او پیروی کردند. یکی از مورخان گوید که پس از قرن چهارم در روم غیر از کتابخانه های متعدد خصوصی نزده کتابخانه بزرگ عمومی وجود داشت.

در قرن سوم یکی از بطریق های روم در اورشیم کتابخانه‌ای تاسیس کرد و پس از او دیگران و اسقفهای روم کتابخانه های دیگری در قسطنطنیه ، انطاکیه ، دمشق ، صور ، صیدا (۳۱) ، افسس (۳۲) مصر و بلاد بین النهرین و غیر اینها بساختند . اکثر کتب این کتابخانه ها کتابهای دینی بود ولی بت پرستان که در قرون اولی مسیحیان را تحت فشار قرار داد ، بودند که کتابخانه های ایشان را خراب کردند و از بین بردند . مسیحیان نیز بقدر توان خویش از اتلاف کتب بت پرستان خود داری نکردند . وقتیکه زولیا نوس (۳۳) قیصر ملقب به چاحداذیت و آزار عیسویان را تجدید کرد و بت پرستان و یهودان را بشورانید همه کتابخانه های ایشان مخصوصاً در اسکندریه و فلسطین طعمه آتش شد .

ولی برخی از قیاصر روم در قسطنطنیه از نو کتابخانه های بساختند و آنها را از کتابهای نفیس پر کردند . نئودوسیوس دوم گروهی از ماهرترین نویسندگان و صنعتگران را واداشت که نسخه های از چند انجیل برایش بنویسند . آنان نسخ مطروپ را با حرف زرین بر اوراق ارغوانی نوشتند و در میان پشتی های طلائی جای دادند و با رسم ها و نقوش مرصع آراستند .

ابن پادشاه کتابخانه بزرگی انشاء کرد و یکی از اکابر دانشمندان یونان را در رأس آن بگماشت و همکاران زیادی از قبیل نسخه نویس و نویسنده برای جمع کردن کتب کمیاب و نسخه برداری از آنها برای اول مرتبه نظر نمود . این کتابخانه تا سال ۷۳۰ میلادی یعنی عهد لاون سوم مورد استفاده بود اما بفرمان و حشیازه ابن امیر اطور کتابخانه نظام مذکور در پامساران و نویسندگان و موظفین آن طعمه حریق شد . بدین سبب گروهی از علمای قسطنطنیه و نویسندگان آن بسوی دبار غرب گریختند و به دبرهای ایتالیا پناهنده شدند و کتابهای نفیس بسیاری را با خود بردند .

پیش از فتح اسلام اکثر آنچه از کتابخانه های شرق در مصر و سوریه و آسیای صغیر مانده بود از میان رفت . و اگر توجه مأمران عباسی در جمع کتب یونانی و سریانی و ترجمه آنها به نازی تیردی اثری از آن در تمام شرق باقی نمی ماند ؛ در کلیسای یسوحنا معمدان (۳۴) در دمشق کتابخانه بزرگی پر از کتب قدیمی یونانی و سریانی بود وقتیکه مسلمانان این شهر را اشغال کردند اصلاً بدان دست نزدند و ادرقمستی قرار داشت که به صلح گرفته شده بود . عبدالملک بن مروان وقتی که این کلیسارا به مسجد

بدل کرد کتابهای مذکور را در قبه مقام حضرت یحییٰ پیغمبر قرار داد و بدین ترتیب حتی اندکی از آن هم ضایع نشدند آنکه دانشمندان المان آن مقام را با امر سلطان عبدالحمید بیگشو دند و چنانکه گفته شده قسمت بیشتر کتابهای آنرا به برلین نقل دادند: در سده های نخستین اسلامی که زمامداران اسلام در بغداد و مصر و اندلس به انتشار ادبیات و معارف و برپای داشتن دانشگاهها پرداختند، کتابخانهها و مدارس انشا شد و دانشمندان را نشاطی فراهم آمد و کتابها و تالیفات عربی زیاد شد. در قرطبه در عهد انبیا مشهور کتابخانه بزرگی بود که به روم نقل دادند و با روم نیروی مستمگر با کتابخانه مرکزی و شهر روم به خاکستر مبدل شد:

نکته توجه کردنی اینست که اکثر کتب قدما از بین رفته و جز مقدار بسیار اندکی بدست ما نرسیده است. کثرت مؤلفین پیشین. کثرت کتابهای از دست رفته را خوبتر نشان میدهد. امترابون (۳۵) دو صد و بیست مؤلف رومی را یاد میکند و پلو تارک از پنجاه مؤلف ذکر مینماید. برخی فصد مؤلف یونانی بر شمرده اند اکلیمنضوس اسکندری هتوفای ۲۱۴ گوید که تنها در اسکندریه شش صد مؤلف بود در حالیکه از تالیفات آنان جز مقدار کمی یعنی کمتر از هفتاد کتاب، ما نرسیده است و از آثار مؤلفان نامی یونان و روم همچون سرفورکلس (۳۶) و اسخیانوس (۳۷) و نظائر ایشان جز قطعاتی چند بدست نیست و از کتابهای تاریخ سطر و تالیف تاسیتوس فقط بعضی مجلدات پراکنده و ناقص بمانده است. در اندلس در قرن نهم هنگامیکه عربها به نشر علوم و معارف دست زدند و مدارس بنیاد نهادند چند کتابخانه بنا شد دانشجویان از نقاط دور و نزدیک اروپا برای آموختن علوم فلسفه، طبیعیات، هندسه، الجبر و ستاره شناسی بسوی اسپانیا روی آوردند که کتابهای عربی در قرطبه (۳۸) و اشبیلیه و غرناط بسیار شد. بعضی از این کتب هم اکنون در کتابخانه اسکوریا در مادرید و کتابخانههای دیگر اروپا موجود است. در سال ۱۸۸۹ راهبان کیوشیون در دیرخویش در شهر قرطبه کتابهای عربی بسیاری کشف کردند:

در قرن سیزدهم لوئیس نهم پادشاه فرانسه یک کتابخانه عمومی در پاریس تأسیس کرد و در آن کتابهای بسیار گرد آورد. ولی پس از مرگش همه آنها در میان راهبان تقسیم شد و از میان رفت. شارل پنجم کتابخانه مشهور پاریس را در برج نور اساس گذارد و نگهبانان و نسخ نگماشت اما شما کتب آنرا از نهد بیشتر نشد زیرا در آن

عصر کتاب کمیاب بود. در قرن پانزده انگلیسها بر پاریس مستولی شدند و قائد ایشان دیوک بدفور و گنجهای معنوی گرانبهای پاریس یعنی محتویات کتابخانه آن شهر را به انگلستان فرستاد. سپس در زمان لوئی یازدهم بار دیگر کتابخانه ملی در پاریس تاسیس شد و کتابهای آن از خزاین دیرها و کاخهای امیران فراهم آمد. این کتابخانه هنوز هم موجود و از بزرگترین کتابخانههای جهان محسوب است؛ شمار کتب آن از سه میلیون تجاوز میکند. بهر حال از لحاظ مخطوطات قدیمی ظنی ترین کتابخانههای دنیا امروز کتابخانه واتیکان در روم است و سپس پاریس و لندن؛ و قتیکه اسپانیا بر مکسیک مسلط شد در آنجا به کتابهای قدیمی و ابستهها و رسمها و اوصاف بسیار پرارجی که بر قماشها، جلد حیوانات و پوست درختان نقش شده بود بر خور دند. ولی متأسفانه همه را چنان نابود کردند که نشانی برجای نماند در حالیکه شاید اگر این آثار تا کنون باقی میماند، دانشمندان می توانستند رموز آنرا حل کنند و اصل مات مکزیکی و تاریخ آنرا درست بشناسند. از فقدان این نوشتهها زبان مکزیکی نیز مفقود شد.

(۱) Aristophane مشهورترین شاعر یونان

توضیحات مربوطه باشخص
و اماکن

تالیف قدیم متوالد در حوالی ۴۵۰ در بیداری مردم باسقاط حکیم مسابقه کرد. حکیم باسخنرانیها و دروس خویش و شاعر بازوشتن هزلیات و تمثیل آنها افکار را روشن می کردند؛ (۲) Jerome (۳۴۰-۴۲۰) تورات و زبور و انجیل را به لائینی ترجمه کرد و ترجمه او در کلیسای لاتین که خود از دانشمندان شهیر آن بود نص قانونی شد. رساله ای در رد ادعای کسی که منکر دوام بکارت حضرت مریم بود بنوشت؛ بیشتر آثارش در شرح زندگی خود او است.

(۳) Justinian (۵۲۷-۵۶۵) به تدوین قوانین روم فرمان داد و اکادمی افلاطون

را که پیش از هشتصد سال باز بود، مسدود کرد؛ کلیسای ابا صوفیه در عهد او تکمیل شد؛

(۴) Ciceron (۱۰۷-۴۳ ق.م) گویا برای سخنوری آفریده شده بود. در قانون

روم و فلسفه تبحر داشت اما نه در سیاست.

(۵) Xenophanes (۴۲۷ - ۳۵۵ ق. م) مورخ و فیلسوف آن از شاگردان سقراط بود. با نوشتن سیاحتنامه خود به نام - و از شط فترات تسا بحر صیا - شهرت یافت.

(۶) از شهرهای فنیقی سواحلی تونس که امروز کارتاژ خوانند در ۸۴۰ پیش از مسیح آباد شد.

(۷) Pliny (۷۹ - ۲۳ ق. م) ادیب شهیر رومی ملقب به کبیر. رسا ئل او در تاریخ روم همواره مدنظر دانشوران است.

(۸) شاعر شهیر یونان باستان که بر وایت هیرو دوت در نیمه دوم قرن نهم پیش از میلاد میزیست یا بقول مورخان دیگر بین اوائل قرن ۱۲ و اوائل قرن ۷. رسا - ان تصویر او را تا بینا می کشند.

(۹) Tite-Live (۵۹ ق. م - ۱۹ م) از مشاهیر مورخان لاتین؛ به گذشتگان و عظمت دیرینه روم فخر میکند. کتاب دیکاده یا ده فصل، از اوست.

[۱۰] Titere [۴۲ ق. م - ۳۷] دومین امپراتور روم:

[۱۱] Parchemin پوست حیوانات کوچک را پس از جدا کردن گوشت و موی آن نازک می کردند و پیر آن می نوشتند - گویند این صنعت در قرن دوم ق. م اختراع شد، ولی پیش ازین تاریخ هم گفته اند.

[۱۲] Sereca نبات مخصوصی بود که پوست آن بجای کاغذ بکار می رفت

[۱۳] Papyrus فیلسوف رومی، معلم نیرون ستمگر و خود مرد توانگر بود. نیرون در آغازه دستور او عمل می کرد و طبق حاکم می بیمود اما سپس تر طغیان کرد و راه بیداد رفت. سنیکا چندین کتاب بنوشت و آخر کار در حمام انتحار کرد یا چنانکه گفته اند در سال ۵۶ میلادی با مرنیرون رگش را باز کرد و مرد؛ زینون شهیر از پیروان فلسفه اوست.

[۱۴] Templiers جمعیت نظامی از رهبانان که در ۱۱۱۸ تاسیس گردید. در جنگهای صلیبی شهرت یافت و در سال ۱۳۱۲ لغو شد.

[۱۵] جمهوری کنونی اوستریا روزگاری بنام نمسا پایتخت امپراتوری روم بود.

[۱۶] ریشلیو ۱۵۸۵ - ۱۶۴۲ وزیر لویی ۱۳ و مؤسس آکادیمی فرانسه؛

[۱۷] مرقس به ضم اول و سوم معروف به قدیس انجیلی؛ بنای کاپسای اسکندریه

بد و منسوب است و انجیل مرقس ، از بشارت چارگانه ، کسار اوست .
در سال ۶۸ میلادی کشته شد .

«۱۸» Anne «۱۶۶۴-۱۷۱۴» آخرین کسی که از دودمان سستوارت بر تخت
بریتانیا و آیرلند نشست .

«۱۹» Angou یکی از ولایات قدیم فرانسه که در سال ۱۸۴۳ بدان کشور ملحق شد .

«۲۰» Plutarchus مورخ نقاد یونانی در حدود ۱۴۸ و ۵۰ ق . م بزاد . وی
نویسنده کتاب موازنه بین مشاهیر روم و یونان است که در اکثر زبانهای زنده
ترجمه شده .

«۲۱» Diodore نویسنده نامی یونان قدیم . تاریخ زادن و مردنش معلوم نیست
اما در عهد امپراطور اگست میزیست .

«۲۲» Disistras از سرکشان آن بود ؛ زمام حکومت را بدست گرفت و خوب
اداره کرد . شهر آن در عهد او آبادان شد و اسفارهو میر منتشر گردید . در سال
۵۷۲ ق . م مرد .

«۲۳» این جزیره در هفتاد کیلومتری از میر واقع است . هوایش چنان گوارا بود
که قدمای گفتند مردم آن به غذا محتاج نیستند . فیثاغورث حکیم در همین
محل بدنیا آمد ؛ شراب آن مشهور بود .

«۲۴» Theophras بین ۳۷۲ و ۲۸۷ ق . م می زیست . از فلاسفه یونان و خلیف
ارسطو در تعلیم شما راست .

«۲۵» پادشاه مصر بود ، دانشمندان را گرامر را مییادداشت و هناراسکتند ربه را
بنا کرد . (۲۸۵-۲۴۶)

«۲۶» اینترجات که معنایش «نیکو» است لقب پیکتن از بطالسه است که از سال
۲۴۶ تا ۲۴۱ ق . م بر مصر حکومت کرد . وی اشیای مقدسی را که از معا بد
مصر به فارس برده بودند پس آورد .

«۲۷» امپراتور روم شرقی (۳۹۹ - ۴۵۰) نوادۀ نیورد و سیوس اول که پس
از مرگش امپراتوری روم دو قسمت شد

«۲۸» برغاموس از شهرهای مشهور آسیای صغیر در عهد امپراتوری روم بود که
گروهی آنرا مقدس میخواندند و جمعی تخت شیطان .

(۲۹) Antonius (۸۶ - ۳۰ ق. م) یکی از قاضیان سه گانه روم که به فتنه معشوقه اش باقیه - صر در آویخت و شکست یافت و در حصار اسکندریه محو و کشتی کرد.

(۳۰) Augustus (۶۳ ق. م - ۱۴ م) نخستین امپراتور روم. عهد او را بهترین دور تاریخ روم خوانند.

(۳۱) صور و صیدا از شهرهای بسیار کهن لبنان و در نزدیکیهای بیروت واقع بوده.
(۳۲) Ephesus یکی از شهرهای ایونی. مجسمه بزرگ دیانا، از عجایب هفتگانه جهان در همین شهر است.

(۳۳) پسر خوار قسطنطین کبیر که یکبار نصرانی شد و باز به بت پرستی گرایید و لقب جاحد یافت، بر روش افلاطونیان جدید چندین کتاب نوشت و در جنگ با ایران کشته شد (۳۳۱ - ۳۶۳)

(۳۴) این روحانی عیسوی از دشمنان سر سخت یهود بود همواره به نزدیکی بازگشت مسیح علیه السلام بشارت میداد. هیرو دوس پادشاه یهودی (۴ ق. م - ۳۷ م) در سال ۳۱ میلادی سرش را برید.

(۳۵) Strabon مشهورترین جغرافیه نویس یونان؛ نخست بمذهب ارسطو رفت و سپس طریق رواقیون پیمود اخبار هیرو دوت را خرافی میدانست و به اشعار هومیر سخت علاقه داشت.

(۳۶) شاعر شهیر یونان متوفای ۴۰۶ ق. م پدرش آهنگر بود و خود پهلوان و مطرب و نوازنده و بازیگر و شاعر و درام نویسنده.

(۳۷) Esehyle نویسنده یونانی متولد ۵۲۵ ق. م که بنام مخترع فن تراژیدی لوبسی یاد شده.

(۳۸) قرطبه زادگاه ابن رشد فیلسوف انداسی و سنیک فیلسوف رومی که امروز بنام کاردووا یاد می شود مدتی پایتخت امویان در اندلس بود تنها در همین شهر شش صد مسجد و پنجاه شه - فخانه و هشتاد مد رسه عالی عمومی و نهصد حمام بود. و کتابخانه آن محتوی شش صد هزار کتاب.